

رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرش افراد به عشق با ارزش‌های ازدواج

The relationship between attachment styles and personal love attitudes and marital values

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۰/۲۷

Nouri N. MSc*, Janbozorgi M. PhD

نسیم نوری*، مسعود جان‌بزرگی^۱

Abstract

Introduction: This study scrutinized the relationship between attachment styles and love attitudes with the marital values.

Method: The sample included 313 single undergraduate students of large universities in Tehran who were chosen by nonrandom sampling at hand. Experimental data were collected using the Adult Attachment Styles Questionnaire, the Love Attitude Scale, and the Adult Marital Values Questionnaire.

Results: The statistical analysis indicated that it is possible to predict marital values using attachment style and the kind of love. A negative relationship was found between the Agape love style and hierarchy marital values, and between Agape love style and cognitive autonomy marital values. Storge and Mania love styles had a positive meaningful relationship with Egalitarianism marital values, and the Mania love style, and secure attachment style were positively related to affective autonomy marital values. A negative relationship was observed between Agape love and cognitive autonomy values. In addition, a positive relationship was observed between the Pragma and Agape loving styles and secure attachment with embeddedness. The mania and Pragma love styles were positively related to the general attitude toward marriage.

Conclusion: The results show the importance of analyzing attachment style and love attitudes in couples before marriage and how these variables work on marital values.

Keywords: Attachment Styles, Love Attitude, Marital Value

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر به بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و نگرش افراد به عشق با ارزش‌های ازدواج پرداخته است.

روش: نمونه پژوهش ۳۱۳ دانشجوی مجرد دانشگاه‌های جامع شهر تهران بود که از نمونه‌گیری غیرتصادفی دردسترس انتخاب شدند. داده‌های تجربی توسط پرسشنامه سبک‌های دلبستگی، نگرش‌های مربوط به عشق و پرسشنامه سنجش ارزش‌های ازدواج جمع‌آوری شد.

یافته‌ها: با تحلیل آماری داده‌ها مشخص شد که توان پیش‌بینی ارزش‌های ازدواج از طریق انواع عشق و سبک‌های دلبستگی وجود دارد به‌گونه‌ای که ارتباط منفی معناداری بین عشق آگاه با ارزش سلسله مراتبی، بین عشق آگاه با ارزش خودپیروی عقلی و ارتباط مثبت معناداری بین عشق مانیا با ارزش سلسله مراتبی، بین عشق استورگ و عشق مانیا با ارزش برابرنگری، بین عشق مانیا و دلبستگی ایمن با ارزش خودپیروی عاطفی، بین عشق استورگ و عشق پراگما با ارزش خودپیروی عقلی، بین عشق پراگما و عشق آگاه و دلبستگی ایمن با ارزش محاط شدگی عشق پراگما و عشق مانیا با بازخورد کلی به ازدواج وجود دارد.

نتیجه‌گیری: نتیجه این تحقیق اهمیت بررسی سبک‌های دلبستگی و نگرش نسبت به عشق زوجین را قبل از ازدواج با تأثیری که بر معیارهای ازدواج دارند، نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: سبک دلبستگی، نگرش به عشق، ارزش ازدواج

* Corresponding Author: Department of Psychology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
Email: nasim.nouri2@gmail.com

* گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۱- پژوهشکده علوم رفتاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

به اعتقاد لاکان (۱۹۸۸)، عشق، لحظه و تبلور آرزومندی بشری است. ریک معتقد بود که عشق جستجوی رستگاری است [۱]. درک پدیده عشق مهم می‌باشد. [۲] زیرا همیشه در زمینه عشق ابهام‌ها و سردرگمی‌هایی وجود داشته است [۳]. مورتی و راتزین اعتقاد دارند که شاید برخی از سردرگمی‌ها در این زمینه به جهت نگرش‌های دوسوگرانه‌ای است که علم نسبت به پژوهش‌های مربوط به عشق داشته است: یکی عشق با ماهیت روانشناختی و دیگری عشق با ماهیت ادبی [۴]. از سوی دیگر دل‌بستگی نگهدارنده نزدیکی متقابل بین دو فرد در تمام مراحل زندگی است [۵]. اگرچه سبک دل‌بستگی فرد در سال‌های اولیه زندگی شکل می‌گیرد ولی در تمام طول عمر تداوم می‌یابد و ابعاد مختلف زندگی فرد از جمله روابط صمیمانه، عشق و ازدواج و چه بسا همسازي زناشویی وی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد [۶ و ۷]. انسان در طول زندگی روابط متعددی را تجربه می‌کند، اما پیوندجویی، نخستین نیاز برای هم‌نشینی با دیگران است. این انگیزه با دیگران بودن، هم از درون فرد می‌آید و هم از بیرون، بنابراین هم به شخصیت و هم به شرایط بیرونی بستگی دارد و تحت شرایط لذت‌بخش و تهدید، بسیار قوی است. افراد نیز در نیازشان برای پیوندجویی متفاوت هستند [۸].

دل‌بستگی‌های دوره شیرخوارگی نقش مهمی در توانایی شخص برای برقراری روابط در بزرگسالی دارند [۹]. به عبارتی، سبک دل‌بستگی فرد شامل؛ سبک‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا تأثیر فراگیری بر روابط او با افراد دیگر دارد [۱۰]. افراد مختلفی که سبک‌های دل‌بستگی متفاوتی دارند تجارب مختلفی در روابط عاشقانه تجربه می‌کنند [۶]. رابین خاطر نشان می‌سازد که ارتباط میان عشق و ازدواج موفقیت منحصر به فردی را به‌عنوان پیوند میان افراد و ساختار جامعه به‌عشق می‌دهد [۶]. عشق یک رکن اساسی برای محبت اعضای خانواده به یکدیگر است [۲]. به گفته ریزاوی بیشترین علت هم برای ازدواج و هم طلاق عشق یا فقدان آن است. اما لازم به‌ذکر است که به گفته براکتون، واژه عشق معنا و مفهومی یکسان برای هر فرد ندارد و این خود موجب بروز اشتباهاتی در این زمینه می‌شود [۱۲]. مورتی و راتزین نیز می‌گویند، بیشتر مردم عقیده دارند که تجربه عشق یا فقدان آن تقریباً بر هر فردی به‌شیوه‌ای تأثیر می‌گذارد. با وجود این شناخت‌ها و دانسته‌ها در مورد پدیده عشق بسیار کم است. از آنجایی که وظایف عشق عبارتند از: جذب یک همسر، حفظ همسر، تولید مثل، سرمایه‌گذاری والدی، آنچه پس از بحث عشق مطرح می‌گردد، مبحث ازدواج است. ازدواج به‌عنوان مرحله‌ای مهم از زندگی فرد به‌شدت از خاستگاه خانوادگی متأثر است و خود می‌تواند منجر به تشکیل خانواده جدید گردد. ازدواج پیوندی است که پس از آن انسان به نوعی تحول و رشد می‌رسد و

انتخاب اولیه شرط بسیار مهمی برای ازدواج است. کلودلوی اشتروس در نظریه برخورد دراماتیک معتقد است که ازدواج برخوردی دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت، یا میان قواعد اجتماعی و کشش جنسی است [۱۳]. آنچه زوجین از خانواده اصلی‌شان می‌آورند و نحوه‌ای که آنها خانواده‌هایشان را ترک می‌کنند بخش مهمی از فرآیند انتخاب همسر و ازدواج آنان را شکل می‌دهد [۱۴]. در صورت‌بندی اریکسن از مراحل روانی اجتماعی زندگی، ازدواج در مرحله‌ای اتفاق می‌افتد که چالش اساسی فرد بین صمیمیت و انزواست.

در یک دیدگاه کلی، وجود منابع گسترده و متنوع فکری، نظری، تربیتی و رفتاری، فرد را با مسأله‌ای با عنوان درگیری در برداشت‌ها و ادراکاتش از مفاهیم انتزاعی و احساس‌های شخصی‌اش روبه‌رو می‌سازد، برداشت‌هایی که به‌تبع آن نگرش‌ها و انتخاب‌هایش در عرصه زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، برداشت‌هایی که گاه چنان تفاوت‌های فاحشی دارد که به انتخاب‌های کاملاً متضاد افراد نسبت به یکدیگر منجر می‌شود. تفاوت در شیوه‌های تربیتی و پرورشی افراد که سبک‌های متفاوت دل‌بستگی را در افراد ایجاد می‌کند منجر می‌شود تا افراد به شیوه‌های متفاوت در زندگی اجتماعی دست به انتخاب بزنند.

بسیار ضروری است که انسان بتواند برای تشکیل خانواده تصمیم موفق و کارآمدی بگیرد. همین تصمیم، در آینده، زندگی خانوادگی موفق یا ناموفق انسان را ترسیم می‌کند. رضایت افراد از ازدواجشان زمینه‌ساز هسته اصلی رضایت از خانواده و زندگی است به‌عبارتی می‌توان گفت سلامت جامعه و خانواده در گرو رضایت افراد از ازدواجشان است [۱۵]. رضایت زناشویی یکی از عوامل مؤثر در ثبات و پایداری خانواده‌ها و درعین حال بهداشت روانی همسران و فرزندان است. همچنین سلامت فیزیکی و عاطفی و بهداشت روانی افراد در جامعه در گرو سلامت روابط زناشویی و تداوم و بقای ازدواج می‌باشد. به دیگر سخن، رضایت یک فرد از زندگی زناشویی به‌منزله رضایت وی از خانواده محسوب می‌شود و رضایت از خانواده به مفهوم رضایت از زندگی بوده و در نتیجه باعث تسهیل در امر رشد و تعالی و پیشرفت مادی و معنوی جامعه خواهد شد. در تأیید این ادعا، تحقیقات السون و همکاران نشان داد که ضریب همبستگی بین رضایت از زندگی زناشویی و رضایت از خانواده حدود ۰/۷ است و ضریب همبستگی بین رضایت از خانواده و رضایت از زندگی حدود ۰/۶۷ است. بنابراین چون نگرش فرد مجرد نسبت به ازدواج تعیین‌کننده ارزش‌ها و ملاک‌های انتخاب او در این زمینه است و تا حدودی می‌تواند یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده زندگی موفق و به‌تبع آن رضایت‌زناشویی باشد، بررسی عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری این ارزش‌ها، می‌تواند به‌نوعی بررسی عوامل تأثیرگذار در رضایت‌مندی زناشویی باشد، و چون از طرفی رضایت‌مندی

کوکران برای جامعه نامحدود [۱۶]، تعداد ۳۲۲ نفر می‌باشد که از این تعداد ۹ نفر در بررسی نهایی حذف شده و در نهایت ۳۱۳ نفر به‌عنوان حجم نمونه پژوهش فوق انتخاب شده‌اند.

ابزار سنجش عشق؛ هندریک و هندریک [۱۷] ابزار مرکب از ۴۲ گویه که هر ۷ سوال آن یکی از حالت‌های عشق را می‌سنجد تهیه کردند که یک ساختار عاملی مطابق با سنخ‌شناسی لی بود و در مجموع ۶ حالت عشق را می‌سنجد (اروس؛ E؛ عشق شهوانی، فاقد منطق، عشق فیزیکی که بواسطه جذابیت و کشش‌های جسمانی و یا ابراز آن به‌طور فیزیکی نمایان می‌گردد، همان عشق در نگاه اول است. لودوس؛ L؛ عشق تفتنی، بی‌تعهد، هوسبازانه، عشق‌های رمانتیک زودگذر، کثرت‌گرا نسبت به شریک عشقی، فاقد رابطه دراز مدت است. پراگما؛ P؛ عشق منطقی، عملی، سودجویانه، عشقی که مبتنی بر منافع و دورنمای مشترک می‌باشد، پایبند به اصول منطق و خردگرا است. استورگ؛ S؛ عشق دوستانه، وابسته به احترام و نگرانی نسبت به منافع متقابل، صمیمانه و متعهد، با رابطه دراز مدت، پایدار و بادوام و فاقد شهوت است. مانیا؛ M؛ عشق افراطی، مالکیتی، انحصارطلب، وابسته، حسادت‌برانگیز، دارای شیفتگی شدید به معشوق، فاقد عزت نفس، با عدم رضایت از رابطه، ددرساز و وسواس‌گونه است. آگاه؛ A؛ عشق الهی، بدون خودخواهی، عشق معنوی، فداکارانه، از خودگذشته، نوع‌دوستانه و بدون چشم‌داشت است). مقیاس آنها توالی تحول نگرش‌های عشق را در تمام دوره زندگی مطرح می‌کند [۱۷]. هندریک و هندریک و دیک دو فرم کوتاه از مقیاس نگرش‌های عشق ارائه نموده‌اند. اولین مقیاس ۲۴ گویه (هر ۴ گویه یک خرده مقیاس) می‌باشد. یافته‌های آنان مشخص نمود که نسخه کوتاه ویژگی‌های روان‌سنجی قوی‌تری در مقایسه با مقیاس اصلی دارد. فرم کوتاه ۲۴ گویه‌ای توسط تنو و همکاران [۱۸] در یک پژوهش بین فرهنگی مورد استفاده قرار گرفت. اعتبار این آزمون ۰/۸۹ است که تأییدکننده اعتبار مطلوب پرسشنامه‌های خودسنجی است.

ابزار سنجش دلبستگی؛ هازن و شیور یک شیوه مستقیم و بسیار ساده را برای ارزیابی الگوهای دلبستگی در نوجوانان و بزرگسالان ابداع کرده‌اند، آنها براساس ویژگی‌های سبک‌های دلبستگی، سه بند نوشته‌اند که هرکدام از آنها معرف یکی از سبک‌های شناخته‌شده دلبستگی است و از آزمودنی می‌خواهند که هر سه بند را به‌دقت بخوانید و بگویید که کدام یک از این سه بند احساسات وی را بهتر توصیف می‌کند [۱۹]. این آزمون که ابزاری در زمینه اندازه‌گیری سبک‌های دلبستگی بزرگسالان است، یک ابزار اندازه‌گیری تک عاملی است که با روابط بزرگسالان تطبیق داده شده است. حاوی سه عبارت توصیفی از احساس‌های فرد درباره راحتی با نزدیکی و صمیمیت در روابط است. این توصیف‌ها بر پایه تصمیم توصیف‌های اینسورث و همکاران از طبقه‌بندی

زناشویی بخش مهمی از رضایت کلی فرد از زندگی خویش و ضامن سلامت روانی اوست، پژوهشی در این باره لازم می‌نماید. به‌طور کلی هدف از انجام این پژوهش بررسی این مطلب است که باور و نگرش افراد پیش از ازدواج نسبت به مفاهیم انتزاعی و احساسی (با تأکید بر مفهوم عشق) و سبک‌های دلبستگی آنان تا چه اندازه می‌تواند در شکل‌گیری ارزش‌ها و انتخاب‌هایشان در گستره زندگی تأثیرگذار باشد، و از آنجا که انتخاب معیار یا همان ارزش‌ها و ملاک‌های کلی فرد در مورد ازدواج یکی از انتخاب‌های مهم فرد در عرصه زندگی خویش است که رنگ و بویی احساسی نیز دارد، بر معیارهای ازدواج در افراد مجرد تأکید می‌شود. با توجه به اینکه شیور و هازن و برشید معتقدند که در مورد سبک عاشقانه نظریه‌ای هست که می‌گوید سبک عشق به سبک دلبستگی فرد به مادر در کودکی بستگی دارد، از طرفی با توجه به اینکه تعاملات ابتدایی در زمینه دلبستگی به شیوه‌های گوناگونی به توانایی در زمان بزرگسالی جهت ایجاد روابط موفقیت‌آمیز مرتبط می‌شود و از آنجایی که ترمن تلاش کرد احساس رضایت افراد را از زندگی مشترک بررسی کند و نتایج پژوهش‌های وی گروهی از عوامل را تعیین کرده است که در سه عنوان کلی: عوامل درون فردی مانند ویژگی‌های شخصیتی، عوامل بین فردی مانند مهارت‌های حل مشکل، شیوه‌های عشق‌ورزی و سبک‌های دلبستگی و عوامل پیرامونی مانند شغل و سطح برخورداری اقتصادی است.

در یک جمع‌بندی کلی سوال‌هایی که تحقیق حاضر درصدد پاسخگویی به آن است این است که: آیا رابطه‌ای بین سبک دلبستگی و نگرش افراد به عشق با ارزش‌های فرد در ازدواج وجود دارد؟ یعنی وقتی سبک خاصی از دلبستگی یا سطح خاصی از عشق وجود داشته باشد، ملاک‌های کلی فرد نسبت به ازدواج و همسرگزینی تحت تأثیر قرار می‌گیرد؟

روش

پژوهش حاضر در گروه پژوهش‌های توصیفی به‌شمار می‌آید و از آنجا که به‌بررسی روابط بین متغیرها در جامعه می‌پردازد، از نوع تحقیقات همبستگی است.

جامعه آماری در این پژوهش دانشجویان دانشگاه‌های جامع شهر تهران است. اما محدودیت‌های موجود در راه مطالعه این جامعه و دریافت آمار دقیق حجم جامعه فوق، پژوهشگر را متوجه جامعه در دسترس کرد که از آن میان گروه نمونه به‌صورت نمونه در دسترس انتخاب شده است. شرط ورود افراد به نمونه سلامت جسمی و سلامت روانی آنها (با سوال در مورد عدم سابقه درمانی مشخص آنها)، مجرد بودن و قرار داشتن در محدوده سنی ۱۸ تا ۲۹ سال است.

حجم نمونه تحقیق حاضر با استفاده از فرمول حجم نمونه

پیگیری مستقل تجربه‌های مثبت عاطفی به (خودپیروی عاطفی) تقسیم می‌شود. در بعد برابرنگری فرد به تعهد نسبت به هم و پذیرش نقش‌های برابر احساس علاقه دارد و در بعد سلسله مراتبی فرد بر مشروعیت توزیع‌های نابرابر نقش‌ها و امکانات تأکید دارد. از ۶ گزاره باقی‌مانده ۱ گزاره مربوط به بازخورد کلی به ازدواج و ۵ گزاره مربوط به بازخورد به همسانی و ناهمسانی با همسر است. میزان موافقت یا مخالفت در هر گزاره روی مقیاس ۶ درجه‌ای از ۱ کاملاً مخالف تا ۶ کاملاً موافق درجه‌بندی می‌شود. از ۴۰ گزاره این مقیاس، ۲۶ گزاره ارزش زندگی زناشویی و ازدواج و ۱۴ گزاره ارزش انتخاب را دربردارد. اعتبار پس از حذف ۶ گزاره، در یک نمونه ۸۷ نفری دانشجویی دختر و پسر در فاصله دو هفته در روش آزمون-بازآزمون (محاطشدگی ۰/۸۴، سلسله مراتبی ۰/۸۲، خودپیروی عقلی ۰/۸۱، خودپیروی عاطفی ۰/۷۴، برابرنگری ۰/۶۹) است [۲۴].

یافته‌ها

با توجه به نتایج متغیرهای تحقیق و با تأکید بر اینکه تفاوت اندکی بین نما، میانه و میانگین وجود دارد و از آنجائی که میزان ضریب کجی و ضریب کشیدگی کمتر از رقم ۱ است، می‌توان مطرح نمود که توزیع‌های مورد نظر مفروضه نرمال بودن را داراست و می‌توان از میانگین به‌عنوان معرف شاخص گرایش مرکزی استفاده نمود و از مدل‌های آمار پارامتریک استفاده به‌عمل آورد.

برای تعیین عوامل پیش‌بینی‌کننده در بررسی رابطه سبک دلبستگی و نگرش نسبت به عشق بر ارزش‌های ازدواج از تحلیل رگرسیون چندمتغیری استفاده شد. با توجه به نتایج رگرسیون چندمتغیری، می‌توان مطرح نمود که توان پیش‌بینی «سلسله مراتبی» از طریق «انواع عشق» و «سبک‌های دلبستگی» وجود دارد. با توجه به ضرایب حاصله می‌توان مطرح نمود که ارتباط منفی معناداری بین «عشق آگاه» با «سلسله مراتبی» و ارتباط مثبت معناداری بین «عشق مانیا» با «سلسله مراتبی»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش «عشق آگاه»، ارزش «سلسله مراتبی ازدواج»، کاهش می‌یابد و با کاهش آن، سلسله مراتبی نیز افزایش می‌یابد. همچنین، با افزایش «عشق مانیا»، ارزش «سلسله مراتبی ازدواج» افزایش می‌یابد و با کاهش آن سلسله مراتبی کاهش می‌یابد (جدول ۱).

با توجه به نتایج رگرسیون چندمتغیری، می‌توان مطرح نمود که توان پیش‌بینی «برابرنگری» از طریق «انواع عشق» و «سبک‌های دلبستگی» وجود دارد. با توجه به ضرایب حاصله ارتباط مثبت معناداری بین «عشق استورگ» و «عشق مانیا» با ارزش «برابرنگری در ازدواج»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش «عشق استورگ» و «عشق مانیا»، توجه به ارزش

دلبستگی نوزادان (ایمن، اجتنابی، دوسوگرا) و تبدیل آنها به‌صورتی که متناسب با روابط بزرگسالان باشد تهیه شده‌اند [۲۰]. آزمون‌ها باید یکی از توصیف‌ها را که بهتر از همه احساس آنها را در روابط نزدیک و صمیمی توصیف می‌کند انتخاب کنند. خصوصیات روان‌سنجی این ابزار گزارش شخصی را رضایت‌بخش گزارش کرده اند. این ابزار نشان داده است که می‌تواند به شکلی بسیار قدرتمند خصوصیات ارتباطی را پیش‌بینی کند [۱۰]. فینی و نولر پیشنهاد کردند که تأکید بر تفاوت‌های فردی در تجربه‌های ارتباطی، امکان ایجاد توازی بین سبک‌های ارتباطی بزرگسالان و سبک‌های دلبستگی نوزادان و نیز اجرای سریع و آسان این مقیاس، عوامل اصلی حفظ علاقه‌مندی و کاربرد فراوان این آزمون می‌باشند. به‌منظور غلبه بر پاره‌ای از محدودیت‌ها و مشکلات روان‌سنجی و آماری که روش انتخاب اجباری ایجاد می‌کند، برخی از محققان (از جمله لوی و دیویس، فینی و نولر) این توصیف‌ها را به کار بردند اما از پاسخ‌دهندگان خواستند تا کاربردپذیری هر یک از توصیف‌های سه‌گانه را در مورد توصیف خودشان روی یک مقیاس لیکرت نشان دهند [۲۱]. یک مقیاس نمره‌گذاری ۹ درجه‌ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق. تحلیل روی مقیاس‌های نمره‌گذاری منجر به تصمیم‌گیری درباره تناسب درجات ابعاد (ایمنی، اجتنابی، دوسوگرایی) که کمابیش در همه وجود دارد می‌شود. ضریب اعتبار توسط آلفای کرونباخ محاسبه شده ۰/۷۳ است. این ضریب اعتبار مقبول و معرف تجانس درونی ابزار است. برگردان فارسی آن از تحقیق مظاهری است [۲۲]. پاکد/من قابلیت اعتماد این آزمون را در آزمون‌های ایرانی بررسی کرده است، تفاوت بین دو اجرای توصیف‌های ۱ و ۲ و ۳ معنادار نیست و این آزمون در سطح ۰/۹۵ قابل اعتماد است. با توجه به همبستگی بین نتایج این دو اجرا توصیف سوم (دلبستگی دوسوگرا) قابل اعتمادترین است و درجه‌بندی توصیف دوم (دلبستگی اجتنابی) نیز قابل اعتماد بوده ولی توصیف اول دلبستگی ایمن کمترین میزان قابلیت اعتماد را در بین این سه توصیف دارد [۲۳].

به‌منظور سنجش ارزش‌های ازدواج، از پرسشنامه سنجش ارزش‌های ازدواج محقق‌ساخته (MVS) دخموش استفاده شد. ارزش‌های ازدواج به‌منزله جلوه‌های ارزش‌های فرهنگی در نظر گرفته می‌شوند. وی به‌منظور کشف ابعاد ارزش‌های ازدواج از چهارچوب مفهومی ارزش‌های فرهنگی شوارتز استفاده می‌کند. پس از اجرای مقدماتی و براساس نتایج حاصل از اعتباریابی مقیاس، مقیاس نهایی ۴۶ گزاره دارد؛ قطب محاطشدگی از خلال احترام، ارزنده‌سازی و پذیرش آدابی که سنت یا مذهب برای ازدواج تکلیف می‌کنند مشخص می‌شود، قطب خودپیروی از خلال جستجوی بیان ویژگی‌های درونی خاص خویش مطرح می‌شود، در پیگیری رهنمودهای عقلی به (خودپیروی عقلی) و در

می‌یابد و با کاهش آن خودپیروی عقلی کاهش می‌یابد (جدول ۴).
 با توجه به نتایج رگرسیون چندمتغیری، می‌توان مطرح نمود که توان پیش‌بینی «محاط‌شدگی» از طریق «انواع عشق» و «سبک‌های دلبستگی» وجود دارد. با توجه به ضرایب حاصله می‌توان مطرح نمود که ارتباط مثبت معناداری بین «عشق پراگما»، «عشق آگاه» و «دلبستگی ایمن» با «محاط‌شدگی»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش «عشق پراگما»، «عشق آگاه» و «دلبستگی ایمن»، «محاط‌شدگی» افزایش می‌یابد و با کاهش آن محاط‌شدگی کاهش می‌یابد (جدول ۵).
 با توجه به نتایج رگرسیون چندمتغیری، می‌توان مطرح نمود که توان پیش‌بینی «بازخورد کلی به ازدواج» از طریق «انواع عشق» و «سبک‌های دلبستگی» وجود دارد. با توجه به ضرایب حاصله می‌توان مطرح نمود که ارتباط مثبت معناداری بین «عشق پراگما» و «عشق مانیا» با «بازخورد کلی به ازدواج»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش «عشق پراگما» و «عشق مانیا»، «بازخورد کلی به ازدواج» نیز افزایش می‌یابد و با کاهش آن بازخورد کلی به ازدواج کاهش می‌یابد (جدول ۶).

برابرنگری در ازدواج» نیز افزایش می‌یابد (جدول ۲).
 با توجه به نتایج رگرسیون چندمتغیری، می‌توان مطرح نمود که توان پیش‌بینی «خودپیروی عاطفی» از طریق «انواع عشق» و «سبک‌های دلبستگی» وجود دارد. با توجه به ضرایب حاصله ارتباط مثبت معناداری بین «عشق مانیا» و «دلبستگی ایمن» با ارزش «خودپیروی عاطفی»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش «عشق مانیا» و «دلبستگی ایمن»، توجه به ارزش «خودپیروی عاطفی» در ازدواج افزایش می‌یابد و با کاهش آن توجه به ارزش خودپیروی عاطفی کاهش می‌یابد (جدول ۳).
 با توجه به نتایج رگرسیون چندمتغیری، می‌توان مطرح نمود که توان پیش‌بینی «خودپیروی عقلی» از طریق «انواع عشق» و «سبک‌های دلبستگی» وجود دارد. با توجه به ضرایب حاصله می‌توان مطرح نمود که ارتباط منفی معناداری بین «عشق آگاه» با «خودپیروی عقلی» و ارتباط مثبت معناداری بین «عشق استورگ» و «عشق پراگما» با «خودپیروی عقلی»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش «عشق آگاه»، «خودپیروی عقلی»، کاهش می‌یابد. همچنین، با افزایش «عشق استورگ» و «عشق پراگما»، خودپیروی عقلی افزایش

جدول ۱- ضرایب رگرسیون مرتبط پیش‌بینی سلسله مراتبی از طریق انواع عشق و سبک‌های دلبستگی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معناداری
سلسله مراتبی	عشق اروس	-۰/۱۳	-۰/۱۱	۱/۸۲	۰/۰۶۹
	عشق لودوس	۰/۰۵	۰/۰۵۵	۰/۹۶	۰/۳۳۶
	عشق استورگ	۰/۰۸	۰/۱۰	۱/۶۱	۰/۱۰۸
	عشق پراگما	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۰/۲۲	۰/۸۲۶
	عشق مانیا	۰/۱۷	۰/۱۸	۲/۹۴	۰/۰۰۴
	عشق آگاه	-۰/۱۳	-۰/۱۴	۲/۴۰	۰/۰۱۷
	دلبستگی ایمن	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۰/۲۸	۰/۷۷۵
	دلبستگی اجتنابی	۰/۰۲	۰/۰۷	۱/۲۷	۰/۲۰۳
	دلبستگی دوسوگرایی	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۸۴	۰/۴۰۲

جدول ۲- ضرایب رگرسیون مرتبط پیش‌بینی برابرنگری از طریق انواع عشق و سبک‌های دلبستگی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معناداری
برابرنگری	عشق اروس	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۳۳	۰/۷۳۹
	عشق لودوس	۰/۰۳	۰/۰۶	۱/۱۱	۰/۲۶۵
	عشق استورگ	۰/۰۶	۰/۱۳	۲/۰۵	۰/۰۴۱
	عشق پراگما	-۲/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۹۹۹
	عشق مانیا	۰/۰۸	۰/۱۶	۲/۶۸	۰/۰۰۸
	عشق آگاه	-۰/۰۵	-۰/۱۰	۱/۷۳	۰/۰۸۴
	دلبستگی ایمن	-۰/۰۱	-۰/۰۲	۰/۳۶	۰/۷۱۹
	دلبستگی اجتنابی	-۰/۰۱	۰/۰۷	۱/۲۷	۰/۲۰۳
	دلبستگی دوسوگرایی	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۴۴	۰/۶۶۰

جدول ۳- ضرایب رگرسیون مرتبط پیش‌بینی خودپیروی عاطفی از طریق انواع عشق و سبک‌های دلبستگی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معناداری
خودپیروی عاطفی	عشق اروس	-۰/۰۹	-۰/۱۰	۱/۶۲	۰/۱۰۶
	عشق لودوس	-۰/۰۹	۰/۱۱	۱/۹۴	۰/۰۵۳
	عشق استورگ	-۰/۰۴	-۰/۰۷	۱/۱۰	۰/۲۷۰
	عشق پراگما	-۰/۰۵	-۰/۰۸	۱/۳۶	۰/۱۷۳
	عشق مانیا	-۰/۱۵	-۰/۱۸	۳/۰۴	۰/۰۰۳
	عشق آگاهانه	-۰/۰۱	-۰/۰۲	۰/۳۵	۰/۷۲۲
	دلبستگی ایمن	-۰/۰۳	-۰/۱۲	۲/۰۱	۰/۰۴۶
	دلبستگی اجتنابی	-۰/۰۲	-۰/۰۸	۱/۳۳	۰/۱۸۳
	دلبستگی دوسوگرایی	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۰/۲۵	۰/۷۹۷

جدول ۴- ضرایب رگرسیون مرتبط پیش‌بینی خودپیروی عقلی از طریق انواع عشق و سبک‌های دلبستگی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معناداری
خودپیروی عقلی	عشق اروس	-۰/۰۸	-۰/۱۱	۱/۷۲	۰/۰۸۶
	عشق لودوس	-۰/۰۳	-۰/۰۵	۰/۹۸	۰/۳۲۴
	عشق استورگ	-۰/۰۸	-۰/۱۵	۲/۴۱	۰/۰۱۶
	عشق پراگما	-۰/۰۶	-۰/۱۲	۲/۰۲	۰/۰۴۳
	عشق مانیا	-۰/۰۳	-۰/۰۵	۰/۸۲	۰/۴۱۲
	عشق آگاهانه	-۰/۰۷	-۰/۱۳	۲/۱۵	۰/۰۳۲
	دلبستگی ایمن	-۰/۰۱	-۰/۰۴	۰/۶۸	۰/۴۹۷
	دلبستگی اجتنابی	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۰/۲۳	۰/۸۱۱
	دلبستگی دوسوگرایی	-۰/۰۱	-۰/۱۰	۱/۶۰	۰/۱۰۹

جدول ۵- ضرایب رگرسیون مرتبط پیش‌بینی محاط‌شدگی از طریق انواع عشق و سبک‌های دلبستگی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معناداری
محاط‌شدگی	عشق اروس	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۰/۲۱	۰/۸۳۲
	عشق لودوس	-۰/۰۴	-۰/۰۵	۰/۹۲	۰/۳۵۵
	عشق استورگ	-۰/۰۳	-۰/۰۵	۰/۷۸	۰/۴۳۲
	عشق پراگما	-۰/۱۲	-۰/۱۸	۳/۱۰	۰/۰۰۲
	عشق مانیا	-۰/۰۴	-۰/۰۶	۰/۹۷	۰/۳۳۰
	عشق آگاهانه	-۰/۱۱	-۰/۱۵	۲/۵۱	۰/۰۱۲
	دلبستگی ایمن	-۰/۰۳	-۰/۱۴	۲/۲۵	۰/۰۲۵
	دلبستگی اجتنابی	-۰/۰۲	-۰/۱۰	۱/۷۰	۰/۰۸۹
	دلبستگی دوسوگرایی	-۰/۰۱	-۰/۰۸	۱/۳۰	۰/۱۹۲

جدول ۶- ضرایب رگرسیون مرتبط پیش‌بینی باز خورد کلی به ازدواج از طریق انواع عشق و سبک‌های دلبستگی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معناداری
باز خورد کلی به ازدواج	عشق اروس	-۰/۲۰	-۰/۰۸	۱/۳۲	۰/۱۷۶
	عشق لودوس	-۰/۱۵	-۰/۰۶	۱/۱۶	۰/۲۴۳
	عشق استورگ	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۰/۱۴	۰/۸۸۳
	عشق پراگما	-۰/۲۵	-۰/۱۳	۲/۲۹	۰/۰۲۳
	عشق مانیا	-۰/۳۶	-۰/۱۷	۲/۸۲	۰/۰۰۵
	عشق آگاهانه	-۰/۰۴	-۰/۰۲	۰/۳۹	۰/۶۹۰
	دلبستگی ایمن	-۰/۰۷	-۰/۱۰	۱/۶۸	۰/۰۹۳
	دلبستگی اجتنابی	-۰/۰۱	-۰/۰۲	۰/۳۸	۰/۶۹۸
	دلبستگی دوسوگرایی	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۱/۳۶	۰/۸۹۲

پراگما، «خودپیروی عقلی» افزایش می‌یابد و با کاهش آن «خودپیروی عقلی» کاهش می‌یابد. از آنجا که در عشق‌هایی چون پراگما و استورگ مبنای منطقی و عقلانی نسبت به عشق‌های دیگر وجود دارد معیار خودپیروی عقلی قابل تبیین است. همچنین از آنجایی که مبنای عشق آگاهانه ایثارگرانه و بر مبنای احساسات ایثارگرانه بدون چهارچوب‌های مشخص است و اکثراً توسط مفاهیم عقلانی قابل تبیین نیست، این روند پیش‌بینی نیز قابل انتظار است.

توان پیش‌بینی «محاطشدگی» از طریق انواع عشق و سبک‌های دلبستگی وجود دارد. ارتباط مثبت معناداری بین عشق پراگما، عشق آگاهانه و دلبستگی ایمن با «محاطشدگی»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش عشق پراگما، عشق آگاهانه و دلبستگی ایمن، «محاطشدگی» افزایش می‌یابد و با کاهش آن «محاطشدگی» کاهش می‌یابد.

سیمپسون، در تحقیق اثرات دلبستگی بر روابط، ۱۴۴ زن و شوهر را در یک بررسی طولی مورد پژوهش قرار داد و دریافت که دلبستگی ایمن با احترام، تعهد و رضایت‌مندی بیشتر رابطه دارد تا اجتنابی و دوسوگرایی و در آن‌ها آشفتگی‌های هیجانی کمتر است [۲۶].

در بازخورد کلی فرد به ازدواج (تمایل و آمادگی فرد به مقوله ازدواج)؛ توان پیش‌بینی «بازخورد کلی به ازدواج» از طریق عشق و سبک‌های دلبستگی وجود دارد. ارتباط مثبت معناداری بین عشق پراگما و عشق مانیا با «بازخورد کلی به ازدواج»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش عشق پراگما و عشق مانیا، «بازخورد کلی به ازدواج» نیز افزایش می‌یابد و با کاهش آن «بازخورد کلی به ازدواج» کاهش می‌یابد. افرادی که گرایش‌ها و سواس‌گونه به عشق دارند و کسانی که دیدگاه منطقی و عاقلانه نسبت به عشق دارند از دو سوی مخالف بازخورد کلی مثبتی به ازدواج دارند.

نتیجه‌گیری

سبک‌های عشق در شرایط گوناگون و در طول زمان تغییر می‌کنند زیرا نه تنها خود فرد که رابطه نیز تعیین‌کننده سبک عشق است. فردی ممکن است یک بعد معینی از عشق را به سایر ابعاد ترجیح دهد یا حتی بیشتر از یک ترجیح در یک زمان داشته باشد که توسط روابط مختلف تعیین می‌شود. طبق تحقیق هندریک و هندریک افراد به‌ندرت می‌توانند فقط در یک نوع عشق طبقه‌بندی شوند و امکان دارد تلفیقی از سبک‌های عشق را نشان‌دهند. لی عنوان می‌کند که سبک‌ها برای شریک‌های متفاوت و حتی با همان شریک نیز در طول زمان می‌تواند تغییر کند [۲۷].

براساس نتایج این تحقیق و بررسی پژوهش‌های پیشین این

بر اساس مقایسه میانگین‌ها، بیشترین گرایش در سبک‌های دلبستگی در سبک ایمن نشان داده شد و بیشترین گرایش در نگرش به عشق در عشق اروس بدست آمد. در بررسی پیشینه پژوهشی مشاهده شد که در تحقیق ریساوی [۲] در دامنه سنی ۱۹ تا ۳۲ سال، استورگ و آگاهانه بیشترین ابعاد گزارش شده بودند. توان پیش‌بینی «سلسله مراتبی» از طریق انواع عشق و سبک‌های دلبستگی وجود دارد. ارتباط منفی معناداری بین عشق آگاهانه با «سلسله مراتبی» و ارتباط مثبت معناداری بین عشق مانیا با «سلسله مراتبی»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش عشق آگاهانه، ارزش «سلسله مراتبی ازدواج»، کاهش می‌یابد و با کاهش آن، سلسله مراتبی نیز افزایش می‌یابد. همچنین، با افزایش عشق مانیا، ارزش «سلسله مراتبی» ازدواج افزایش می‌یابد و با کاهش آن «سلسله مراتبی» کاهش می‌یابد. با توجه به سبک دوسوگرا که هم طالب نزدیکی است و هم از آن بیم دارد [۸] افراد صاحب این سبک شاید خود را به ازدواج‌های از پیش ترتیب‌داده‌شده بسپارند [۲۵]. در عشق آگاهانه چون گرایش‌ها غیرمادی مطرح است و فرد خلاف چهارچوب‌های پذیرفته‌شده و بر اساس معیارهای فرامادی عمل می‌کند، انتظار می‌رود تمایل داشته باشد زندگی مشترک هم برخلاف چهارچوب‌های معمول و الگوبردارانه از سنت‌های قدیمی باشد.

توان پیش‌بینی «برابرنگری» هم از طریق انواع عشق و سبک‌های دلبستگی وجود دارد. ارتباط مثبت معناداری بین عشق استورگ و عشق مانیا با ارزش «برابرنگری» در ازدواج، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش عشق استورگ و عشق مانیا، توجه به ارزش «برابرنگری در ازدواج» نیز افزایش می‌یابد. همان‌طور که ذکر شد، عشق استورگ بر مبنای دوستی و صمیمیت و تفاهم متقابل است که به بیانی واضح‌تر همان عشق همسالان است که دیدگاهی برابرنگرانه در ارتباط را سبب می‌شود.

توان پیش‌بینی «خودپیروی عاطفی» از طریق انواع عشق و سبک‌های دلبستگی وجود دارد. ارتباط مثبت معناداری بین عشق مانیا و دلبستگی ایمن با ارزش «خودپیروی عاطفی»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش عشق مانیا و دلبستگی ایمن، توجه به ارزش «خودپیروی عاطفی» در ازدواج افزایش می‌یابد و با کاهش آن توجه به ارزش «خودپیروی عاطفی» کاهش می‌یابد. توان پیش‌بینی «خودپیروی عقلی» از طریق انواع عشق و سبک‌های دلبستگی وجود دارد. ارتباط منفی معناداری بین عشق آگاهانه با خودپیروی عقلی و ارتباط مثبت معناداری بین عشق استورگ و عشق پراگما با «خودپیروی عقلی»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش عشق آگاهانه، «خودپیروی عقلی»، کاهش می‌یابد. همچنین، با افزایش عشق استورگ و عشق

ازدواج و باور این امر که سلامت فیزیکی و عاطفی و بهداشت روانی افراد در جامعه در گرو سلامت روابط زناشویی و تداوم و بقای ازدواج می‌باشد، اهمیت بررسی سبک‌های دلبستگی به‌عنوان یکی از عوامل پیش‌بین در موفقیت زندگی مشترک تأکید شد. اهمیت حفظ بنیان خانواده و بررسی عوامل موثر بر الگوهای ارتباطی قبل از ازدواج می‌تواند عامل بسیار مهمی برای ارتقاء بهداشت و سلامت خانواده باشد. لذا برای رسیدن به این مهم، آگاهی از عوامل تأثیرگذار ضروری به‌نظر می‌رسد و از آنجا که مفهوم دلبستگی در بین عوامل موثر بر رضایت‌زناشویی یک عامل بنیادی و موثر به‌شمار می‌آید و باتوجه به نقش آسیب‌زای دلبستگی ناپایمن در ارتباطات زوجین و به‌وجود آمدن الگوهای ناسالم در خانواده‌ها به‌نظر می‌رسد که شناخت و اصلاح سبک‌های آسیب‌زا در تعامل‌های زوجین یک امر لازم و ضروری می‌باشد.

انتخاب تنها حوزه دانشگاه برای یافتن افراد گروه نمونه، عدم بررسی مجزای خرده فرهنگ‌های ایرانی در مبحث ارزش‌های ازدواج علی‌رغم یکسان بودن فرهنگ ایرانی در افراد گروه نمونه این پژوهش و از سویی عدم اطمینان کامل گروه نمونه به اقرار وجود رابطه پیش از ازدواج در بررسی مؤلفه عشق از موارد محدودیت‌های پژوهش حاضر است. با توجه به اینکه اکثر پژوهش‌های انجام گرفته در کشور در حوزه عشق، دلبستگی و رضایت‌مندی از روابط مشترک در افراد متأهل بررسی شده و یافته‌های این پژوهش با نمونه مجرد نشان از برخی تفاوت‌ها در نتایج را می‌دهد و با تکیه بر این اصل که همواره پیشگیری بهتر از درمان است، پژوهش‌های مشابه به‌منظور شناخت بهتر بیشتر جامعه جوانان مجرد در حوزه ازدواج و احساس‌هایی چون عشق که کمتر تعریف شده اند، کمک خواهد کرد تا بر اساس آن برنامه‌ها در راستای نیازها تدوین شود.

تشکر و قدردانی

با تشکر از تمام دانشجویانی که صادقانه پاسخگوی سوال‌های تحقیق حاضر بودند و با سپاس از راهنمایی‌های تمام اساتید بزرگواری که عاشقانه به من آموختند و با تقدیر از تمام کسانی که ایثار می‌کنند، که ایثار نهایت عشق است.

منابع

- 1- Sternberg RJ. A triangular theory of love. *Psychol Rev.* 1986;(93):119-35.
- 2- Risavy CF. Effects of gender, age, social class and relationship satisfaction on love styles. Saint Louis University Pub, 1995.
- 3- Pato M. The relationship between self-concept and love attitudes. [Dissertation]. Tehran: Shahid Beheshti University; 2002. [Persian]

واقعیت مشاهده شد که هرچند در مورد قومیت، محل سکونت، اهمیت ویژگی‌های فیزیکی همسر، اهمیت ویژگی‌های شخصیتی همسر، میزان نقش شبکه ارتباطی در انتخاب همسر و اولویت‌بندی نیازها، زوجین تمایل به همسانی زیادی با یکدیگر دارند؛ اما عامل بسیار مهم این است که صرف شباهت در این موارد نبوده که موجب‌گزینه‌ش آنها از سوی یکدیگر شده است. چرا که این شباهت‌ها به تنهایی قادر به ایجاد رضایت نیستند. افراد سازگار باید فراتر از انتخاب، عاشق یکدیگر باشند و آنچه را که عشق از آنها می‌طلبد انجام دهند و اساساً عشق اینگونه می‌طلبد که فرد نیازهای اساسی زوجش را ارضاء کند. در این مورد آنچنان که طرفداران ناهمسان همسری نیز می‌گویند الزاماً نباید نیازهای هر فرد مکمل و متمم نیازهای زوجش باشد. باید دانست که زناشویی ازدواج دو شخصیت با حفظ نسبی استقلال هریک از زن و شوهر، برای همکاری متقابل و نه انحلال یک شخصیت به خاطر تکمیل خواسته‌های دیگری است [۲۸].

مهمترین اصل چه در زمان گذشته و چه در زمان کنونی این است که فرد به‌دنبال همسری است که تصور می‌کند بیش از دیگران می‌تواند نیازهای او را ارضاء نماید، او پیش از این که به‌دنبال همسانی باشد، در پی فردی است که نیازهای او را بهتر از دیگران ارضا کند. لیکن در بیشتر موارد افرادی که در جهاتی همسان هستند، بهتر می‌توانند فرد مقابل خود را درک کنند. در زمان گذشته نیز که زوجین آزادی زیادی در انتخاب یکدیگر نداشتند، خانواده‌ها همسری را برای فرزندشان برمی‌گزیدند که بتواند نیازهایی را که آنها در نظر دارند بهتر از دیگران ارضا کند [۲۸]. نی‌پر، چنین فرض می‌کند که افراد به ازدواج با کسی گرایش دارند که به‌نظر می‌رسد برای آنها فرصتی را ایجاد می‌کند که بر ترس‌هایشان غلبه کنند [۲۹]. این با نظر کوبی بسیار نزدیک است، وی معتقد است که فرد ازدواج می‌کند تا دردهای کهنه را علاج یا حساب‌های قدیمی را تصفیه کند. فروید عنوان می‌کند که در تجربیات بالینی‌اش مشاهده نموده است که افراد خودشیفته گرایش زیادی به انتخاب اشخاص وابسته و مطیع دارند. شوتر و ویلی نیز در تحقیقات بعدی به نتایجی مشابه رسیدند. به‌عقیده شوتر عاملی که در انتخاب‌های عاشقانه موثر است این است که کاراکترهایی که در رفتار فرد بروز می‌کند، با نیازهای درونی و ناخودآگاه فرد مقابل منطبق و هماهنگ باشد. با در نظر گرفتن این نیاز روانی لازم به ذکر است که در عشق نیز نوعی نیاز روانی مطرح است که ریشه در نوع شکل‌گیری مفهوم دلبستگی در نخستین سال‌های زندگی فرد دارد [۲۹].

با توجه به یافته‌های بدست‌آمده در این تحقیق در راستای اهداف پژوهش؛ رابطه همزمان نگرش‌های عشق و سبک‌های دلبستگی افراد با ارزش‌های ازدواج بررسی و تعیین شد. با توجه به رابطه پیش‌بین سبک‌های دلبستگی و نگرش به عشق با ارزش‌های

- 18- Neto F. Cross-cultural variations in attitudes toward love. *J Cross Cult Psychol.* 2000;31(5):626-36.
- 19- Crowell JA, Fraley RC, Shaver PR. Measurement of individual differences in adolescent and adult attachment. In Cassidy J, Shaver PR (Eds) *Handbook of attachment theory, research, and clinical applications.* London: The Guilford Press; 1999.
- 20- Ainsworth MDS, Blehar C, Waters E, Wall S. *Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation.* Hillsdale NJ; Erlbaum; 1987.
- 21- Feeney JA, Noller P. *Adult attachment.* California: Sage Publication; 1996.
- 22- Mazaheri MA. Attachment role in marriage process. *Tehran: Psychol J.* 2000;(15):318-86. [Persian]
- 23- Saedi S. Study the relationship of attachment styles and parent personality characteristics and children attachment styles. [Dissertation]. Tabriz: Department of psychology in Tabriz University; 2003. [Persian]
- 24- Delkhamoosh MT. Iranian youth marital values. *Tehran: Iran Psychol J.* 2006;(12):299-309. [Persian]
- 25- Brown NM, Amatea ES, Edwing D. *Love and intimate relationship: Journeys of the Heart.* Philadelphia; Tailor & Francis; 2000.
- 26- Simpson JA. Influence of attachment style on romantic relationship. *J Pers Soc Psychol.* 1990;59(5):971-80.
- 27- Zahmati-Hoojaghan N. Source of formation in marriage criteria. [Dissertation]. Tehran: Faculty of Social Science in Tehran University; 2002. [Persian]
- 28- Nicholas WC, Everett CA. *Systematic family therapy: An integrative approach.* New York: Guilford Press; 1986.
- 29- Lee JA. Love styles. In Barnes MH, Sternberg RJ. *The psychology of love.* New Haven, Yale University Press; 1988.
- 4- Bvskalya L. *Life, love and nothing else.* Translated by Gharachedaghi M. 3th Edition. Tehran: Roshangaran Publication; 1992. [Persian]
- 5- Khanjani Z. *Evolution and pathology of attachment from childhood to adolescence.* Tabriz: Foroozesh Publication; 2005. [Persian]
- 6- Hazen C, Shaver P. Attachment as an organizational framework for research on close relationship. *Psychol Inq.* 1987;(5):7-22.
- 7- Simpson JA, Rholes WS, Nelligan JS. Support seeking and support giving within couples in anxiety provoking situation: The role of attachment styles. *J Pers Soc Psychol.* 1992;(62)3:434-46.
- 8- Dwyer D. *Interpersonal relationships.* London: Routledge Pub; 2000.
- 9- Kaplan S, Sadock B. *Synopsis of psychiatry.* Translated by Poorafkari N. Tehran: Shahrab Publication; 1996. [Persian]
- 10- Feeney JA, Noller P. Attachment style as a predictor of adult romantic relationships. *J Pers Soc Psychol.* 1990;58(2):281-91.
- 11- Rubin Z. Measurement of romantic love. *J Pers Soc Psychol.* 1970;(16):265-73.
- 12- Cramer D. Dimensions of romantic love in British female adolescents. *J Soc Psychol.* 1992;133(3):411-3.
- 13- Sarookhani B. *Research methods in social science.* Tehran: Hum Cult Stud Res. 2003. [Persian]
- 14- Minuchin S. *Family and family therapy.* Translated by Sanaei B. Second Ed. Tehran: Amirkabir Publication; 1996. [Persian]
- 15- Barker P. *Basic family therapy.* 2th Edition. London: William Collins Sons & Co. Ltd; 1985.
- 16- Sarmad A. *Sampling methods.* Tehran: Samt Publication; 2000. [Persian]
- 17- Hendrick C, Hendrick SS. A theory and method of Love. *J Pers Soc Psychol.* 1986;(30):392-402.